

آدم خوبی باشید!

دکتر علی پریور

پزشک متخصص کودکان و پژوهشگر روان‌شناسی

آن کس که نمی‌خواهد یا نمی‌تواند از راهنمایی عقلش در زندگی استفاده کند و یا عقلش به علت کسر اطلاعات بینایی کامل خود را از دست داده است، اجازه ندارد با گفتارش زهر در کام دیگران بریزد و روزگارش را تلخ و ناگوار سازد، بلکه بهتر است چون پزشکی حاذق که دو یا سه گرد تلخ و شور را چون برای بهبود بیمار ناتوان و نیازمند واجب می‌داند، آن را در پوششی زیبا و خوش‌رنگ و بو بپوشاند و یا تقدیم کند شاید در بهبود حالش اثر کند تا همراه حافظ شیراز عقیده داشته باشد که

گرچه وصالش نه به‌کوشش دهند

آن‌قدر ای دل که توانی بکوش
آری! زندگی از نظر ژرف‌اندیشان و دانایان آن قدر بی‌نمک و زودگذر است که محتاج شرح و بحث نیست؛ ولی از آن‌جا که به‌صورت موهبت الهی تقدیم به بشر شده، آدمی بهتر است از آن با کمال دقت و فراست بهره‌برداری کند تا گرفتار وازدگی و بی‌میلی نگردد و این وظیفه‌ی دانایان و روشن‌ضمیران است که هدایت بی‌دانشان را به‌عهده بگیرند و ناتوانان را با همه‌ی بی‌دانشی و بی‌اطلاعی برای بهره‌برداری شیرین و صحیح از زندگی، هدایت کنند.

از نظر من با دید صحیح و ارزنده‌ی روانشناسی اگر آدمی بدون مقایسه‌ی خود با دیگران طبق دستور طبیعت بتواند از کلیه‌ی مواهب موجود استفاده کند و غرایز موجود را رو به تحریف نکشاند لااقل خواهد توانست از این همه تاریک‌بینی و بی‌برنامگی نجات یابد و نور روشن خورشید را نادیده نگذارد و در غیر این صورت می‌توان همراه سعدی علیه‌الرحمه گفت:

نور گیتی فروز چشمه‌ی هور

زشت باشد به چشم موشک کور

آری! باید عشقی پیدا کرد تا زندگی معنا پیدا کند چنان‌که دانایان

و روشن‌ضمیران کردند. ■

تمام آن‌چه می‌توانی باش،
جسارت دیگرگونه‌بودن را داشته باش،
و از خود الگویی خاصه به‌جای بگذار،
آن‌گونه که یگانه‌ی توست زندگی کن و ستاره‌ات را دنبال کن.

لین یوتانگ Lin Yutang

رویایا را رها کن، سوزان پومیس شوتر، ترجمه‌ی عبدالعلی براتی

□ اگر میل دارید مردم شما را آدم خوب و روشن‌بینی بشناسند، از همه‌چیز و همه‌کس به زبانی شکایت کنید! خواننده‌ی گرامی - اگر به‌دقت در رفتار، کردار و گفتار مردم زمان دقت کنید، خواهید دید که هر کس در روزگار از موقعیت و محیط زندگیش بیش‌تر ناله داشته و به مردم زمان و دولت و ملت بیش‌تر ناسزا بگوید، در نظر مردم زمانه به‌صورت فرشته‌ی عدالت و پاکی و فرهیختگی جلوه‌گر شده و سخنش را مردم زمان شنیده و گفتارش را رحیمانه و نسنجیده تصدیق کرده‌اند، کتاب و نوشته‌اش را به‌خوبی و کامل خریده و قلمش را تحسین کرده‌اند.

در حالی‌که از نظر روانی این روزها ثابت شده که افراد بدبین و نق‌نقو و آنان‌که میل دارند دنیا همیشه به کام آن‌ها بگردد، بیمار روانی و نیازمند درمان‌اند. یعنی بدون در نظر گرفتن علت بروز عوامل مختلف تصور می‌کنند گردش روزگار همیشه باید طبق دستور و به نام و کام آنان بگردد. در صورتی‌که باید قبول کرد آن روز که خداوند عقل را به‌صورت امانت به بشر هدیه کرد، او را به ریاست و مدیریت کلیه‌ی موجودات مفتخر ساخت و او را به رهروی در راه صواب دعوت فرمود.

آری! آن‌گاه که عقل آدمی بیمار گردد، نه تنها خود در صلح و صفا باقی نمی‌ماند بلکه سعی دارد با گفتار و نوشته‌ی خود روزگار مردم زمان را نیز تاریک گرداند. در حالی‌که باید گفت نویسنده در حقیقت پزشک روانی‌ست و پزشک اگرچه خود، خدای نخواست به‌علت گمراهی راه زندگی گرفتار دل‌درد و یا عارضه‌ی دیگر است، حق ندارد برای درمان بیمارانش از عارضه‌ی خود حکایت کند و از آنان کمک طلبد. بلکه بهتر است اول به درمان صحیح و کامل خود مشغول شود تا به سلامت واقعی دست یابد و اجازه‌ی درمان دیگران را کسب کند. چه در غیر این‌صورت مردم زمان نیز گرفتار او را نخواهند شنید و درمانش را نخواهند پذیرفت.

در کتاب **خوشبختی مقدر است** که سال‌هاست انتشار داده‌ام و عده‌یی از خوانندگان از آن واقف‌اند، نوشته‌ام که آن روز که خداوند عقل را به بشر عنایت فرمود که: انا عرضنا الامانت علی السموات و الارض والجبال فابین ان یحملها و اشققن منها و حملها الانسان انه کان ظلوما جهولا (سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۷۲)
یعنی خداوند عقل را به‌صورت امانت به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کرد. آن‌ها نپذیرفتند و روی گرداندند ولی انسان آن‌را پذیرفت، چه او بسیار جاهل و نادان بود.